

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بررسی حدیث

ما طلعت الشمس و لا غربت علی احد بعد النبیین و المرسلین افضل من ابوبکر

استاد راهنما: حجت الاسلام محمد احمدی

نویسنده: محمد رهسپار

آبان ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

چکیده

موضوع مقاله بررسی حدیث « ما طلعت الشمس و لا غربت علی احد بعد النبیین و المرسلین افضل من ابوبکر » که بیانگر این است که بعد از پیامبر و انبیاء از ابوبکر کسی برتر نیست. و ما در این مقاله به این موضوع می پردازیم که این حدیث هم روایانش ضعیف هستند و هم افضلیت ابوبکر تناقض ها و تعارض های زیادی دارد و فضیلت های زیاد امام علی علیه السلام مانند حدیث منزلت و ليله المبیت و با افضلیت ابوبکر متعارض است. و این مطالب بر گرفته از کتاب نقد ادله خلافت از نجم الدین طوسی است. که در آخر اثبات می شود که روایان حدیث معتبر نبوده اند و حدیث جعلی نقل کرده اند و افضلیت ابوبکر با شواهد زیادی که بر علیه اش هست قابل خدشه است و مورد قبول نیست.

【 خلاصه حدیث افضلیت ابوبکر 】

حدیث: " ما طلعت الشمس ولاغربت علی احد بعد النبیین والمرسلین افضل من ابوبکر " [در روی کره زمین بعد از پیامبران و انبیاء الهی هیچ کس از ابوبکر بهتر و برتر نیست]

【 جایگاه روایت نزد اهل تسنن 】

اهل تسنن این حدیث را نوشته اند، تا بر اساس ، این حدیث برتری ابوبکر بر سایر صحابه اثبات کنند و برای این اثبات از قاعده عقلی در لزوم افضل بودن امام استفاده کرده اند. از جمله کسانی که به این روایت استناد کرده اند ثعلبی و عبد الرحمن سیوطی هستند. با توجه به شان صدور روایت پیامبر ابودرداء را از اینکه جلوتر از ابوبکر راه برود منع کرده چون علما و وارثان انبیاء هستند .

【 اسناد و طرق روایت 】

روایت مذکور را خطیب بغدادی طبرانی، ابن عساکر ،دمشقی و ثعلبی از ابودرداء و جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده اند.

【بررسی و نقد استدلال اهل تسنن】

ما از جهات متعدد استناد اهل سنت به این روایت را نقد میکنیم.

اشکال اول

نقل روایت توسط راویان شامی .

این روایت توسط افرادی همچون ابن صریح ، بقیه بن ولید حمصی دمشقی و

عطاء بن ابی رباح دمشقی نقل شده که دشمنی آشکاری با رسول خدا مخصوصا امیر المومنین (علیه اسلام) داشتند.

اشکال دوم

مرسل بودن روایت:

هنگام از دنیا رفتن ابو درداء از دنیا رفته بود عطاء ۵ با ۶ سال داشته چون عطاء بن ابی رباح در سال ۱۱۵ هجری قمری و در سن ۸۸ سالگی از دنیا رفته است.

با این اوصاف حرف احمد بن یونس که گفته تولد عطاء ابن ابی رباح در سال ۲۷ هجری قمری است صحیح است.

و از آن طرف که ابو درداء در سال ۳۲ یا ۳۳ هجری قمری از دنیا رفته عطاء بن ابی رباح هنگام فوت ابودرداء حدود ۵ یا ۶ سال داشته و با این وجود که عطاء بزرگ شده مکه است و ابودرداء در زمان عمر و عثمان در شام بوده باید این سخن ابن حجر عسقلانی را که گفته امکان ندارد عطاء ابن ابی رباح و ابو درداء را ملاقات کرده و از او روایت نقل کند را تایید کرد.

اشکال سوم

وجود راویان دروغگو و اعوان ظلمه در سند:

یکی از اموری که یک روایت را تضعیف می کند این است که روایان آن روایات با حکومت های ظالم همکاری داشته باشد و این روایت هم این اشکال را دارد چون در سلسله سند روایت افرادی هستند ، که علمای جرح و تعدیل اهل سنت آنان را به خاطر همکاری با حکومت های ظالم امویان مروانیان و زبیریان دروغگویی و تدلیس و امور دیگر تضعیف کرده و روایاتشان را از حجیت و اعتبار ساقط کرده‌اند

تنها کسی که روایت را از ابودرداء نقل کرده عطاء بن ابی رباح است

دو تن از علمای اهل سنت عطا را به خاطر نقل روایت از راویان ضعیف نکوهش کردند

علی بن علی بن مدینی می‌گوید :

مراسیل مجاهد خیلی بهتر است از مراسیل عطا است زیرا عطا دقت نمی‌کند و از هر آدمی روایت نقل می‌کند

احمد بن حنبل می‌گوید:

در میان روایات مرسلی که راویان مختلف نقل می‌کنند، ضعیف ترین مراسیل مربوط به عطاء و حسن بصری است، زیرا این دو نفر از همه نوع افراد روایت نقل می‌کنند.

مالک بن انس امام مالکی‌ها عطاء را ضعیف العقل خوانده است.

عطا به حکومت های ظالم وابستگی زیاد داشته است. و این ارتباط تا حدی بوده است که به نقل از عمر بن ابراهیم حاکمان امویان، مروانیان، و زبیریان در ایام حج اعلام می‌کردند غیر از عطا هیچ شخصی حق فتوا دادن ندارد.

مورد دیگری که برای ما این نکته را آشکار میکنند که عطا ارتباط و وابستگی به حاکمان ظالم داشته سخنی است که عثمان فرزند عطای خراسانی نقل می‌کند:

به همراه پدرم برای دیدار هشام بن عبدالملک عازم شام شدیم در مسیر راه پیرمردی را دیدم که از نوع لباس پوشیدن و مرکب او خنده ام گرفت از پدرم پرسیدم او کیست پدرم پاسخ داد او عطاء بن ابی رباح است از فقهای حجاز هنگامی که به هم رسیدند از الاغ پیاده شدند و با همدیگر احوالپرسی کردند و به سمت هشام حرکت کردند من منتظر ماندم و پدرم و عطا به نزد هشام رفتند وقتی که برگشتند من از پدرم پرسیدم که در آنجا چه گذشت پدرم گفت که من هم در سایه عطا توفیق دیدار با هشام را پیدا کردم و هشام احترام خاصی برای عطا قائل بود در آخر که می‌خواستیم از جلسه بیرون بیایم هشام به ماموری دستور داد تا عطا را تا دم در قصر همراهی کند و کیسه ای از درهم هم به عطا بدهد.

هشامی که برای مشخص شدن دشمنی او با حضرت علی و اهل بیت همین ماجرای که آلوسی نقل کرده کافی است. آلوسی در طی چند سطر سه بار هشام بن عبدالملک را به خاطر توهین به حضرت علی و متهم کردن آن حضرت در ماجرای افک و تطبیق فقره وَالَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ بر حضرت علی ناصبی خوانده است هشام از زهری پرسید مراد خداوند از فقره کیست زهری پاسخ داد عبدالله ابن ابی. هشام این مطلب را از زهری نپذیرفت و گفت دروغ می‌گویی مراد خداوند از فقره مذکور علی است.

با توجه به گفته عثمان فرزند عطای خراسانی اینگونه برداشت می‌شود که ارتزاق عطاء ابن ابی رباح از جوایز و هدایای سلاطین و حاکمان اموی بوده است که این مورد یکی دیگر از نقاط ضعف عطاء ابن ابی رباح بوده است.

فردی که تقریباً در همه اسناد و طرق روایت « ما طلعت الشمس » قرار دارد عبدالملک ابن عبد العزیز بن جریج است. ابن جریج فردی است که تقریباً همه علمای اهل سنت به نقل روایات ضعیف و مدلس بودن ابن جریج اعتراف کرده‌اند، هر چند که ابن جریج مورد توثیق بعضی از اهل سنت است.

مالک بن انس، ابن جریر و روایاتش را با عبارت «کان ابن جریر حاطب اللیل» تضعیف کرده است حاطب اللیل به کسی گفته می‌شود که در شب هیزم جمع می‌کند و از این طرف که بین روایات ابن جریر روایات ضعیف هم دیده شده به این عبارت او را تضعیف کرده‌اند چون کسی که در شب هیزم جمع می‌کند خوب و بد را با هم جمع می‌کند.

احمد بن حنبل در مورد ابن جریر می‌گوید:

ابن جریر از ۶ نفر از عجزه‌ها و پیرزن‌های مسجدالحرام نیز روایت نقل کرده است.

هنگامی که روایات ابن جریر را به منصور دوانیقی نشان می‌دهند منصور از تدلیس‌های ابن جریر گلایه می‌کند.

ابن جریر حتی برای عمر بن خطاب هم ارزشی قائل نبود و با وجود اینکه عمر ازدواج موقت را حرام دانسته بود؛ امام شافعی می‌گوید ابن جریر ۹۰ زن صیغه‌ای داشت.

یکی دیگر از مواردی که این روایت را تضعیف می‌کند این است یکی از راویان ثقه و معروف شیعه به نام ابان بن تغلب معروف به ابو سعید بکری در برخی اسناد روایت وجود دارد و هر چند که ابان مورد توثیق بعضی از اهل سنت است اما بعضی از اهل سنت مانند حاکم نیشابوری ابان را مذمت و نکوهش کرده‌اند، پس و نسبت دادن چنین روایاتی به ابان برای ترویج خبر مجعول است.

اسماعیل بن یحیی بن عبیدالله

طبرانی؛ اسماعیل بن یحیی تیمی تنها کسی است که روایت را از طریق ابن جریر و عطاء از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است.

صالح بن محمد جزره اسماعیل بن یحیی و روایاتش را با عبارت «کان یضع الحدیث» تضعیف کرده است.

ذهبی اسماعیل بن یحیی تیمی را در کتاب‌های «المغنی فی الضعفا» و «میزان الاعتدال فی نقد الرجال» و در شمار راویان ضعیف ذکر کرده.

محمد بن عراق کنانی اسماعیل بن یحیی بن عبیدالله را در شمار راویان کذاب و جاعل حدیث ذکر کرده و به تضعیفات صالح جزره و ابوالفتح ازدی اشاره می‌کند.

بررسی و نقد مفاد و دلالت روایت

اشکال اول: نقل نشدن روایت در منابع شیعه

روایت «ما طلعت الشمس» در هیچ یک از منابع شیعی نقل نشده و وقتی که در منابع شیعه نباشد چطور می‌توانیم برای شیعیان به این روایت استناد کنیم؟

پس با این روایت نمی‌توانند افضلیت و مشروعیت خلافت ابوبکر را برای شیعیان اثبات کنند.

اشکال دوم: حجیت خبر واحد در مسائل مهم اعتقادی؟

روایت «ما طلعت الشمس» تقریباً تمامی طرق و سندهای آن به یکی از صحابه به نام ابودرداء منتهی می شود. پس با این وجود این روایت خبر واحد محسوب می شود و مساله مهم جانشینی پیامبر را نمی توان با خبر واحد اثبات کرد.

اشکال سوم: انکار ابوبکر

خود ابوبکر این روایت را قبول نداشته و افراد دیگری را بهتر از خود دانسته

الف_ در بسیاری از منابع اهل سنت نقل شده که ابوبکر بارها می گفته «مرا رها کنید، من بهترین شما نیستم.»

برخی شاید اینجا اشکال کنند که این سخن ابوبکر به خاطر تواضع او بوده است که دو جواب می دهیم

الف_ برتری و افضلیت نعمت خداست و مخفی کردن آن جایز نیست و رسول اکرم افضلیت خود را آشکار میکرد و

می فرمود «انا سید المرسلین و لا فخر و انا خاتم النبیین و لا فخر و اول شافع و مشفع و لا فخر»

ب_ اگر ابوبکر تواضعی هم داشت چرا وقت به دست آوردن خلافت این تواضع را فراموش کرده بود؟ و مقابل امام علی

علیه السلام و همه انصار ایستاد.

ب_ جابر بن عبدالله انصاری می گوید :

روزی عمر ابوبکر را اینگونه خطاب کرد «ای بهترین مردم بعد از رسول خدا» که ابوبکر افضلیت خود را انکار کرد

و گفت از رسول خدا شنیدم که فرمود «خورشید بر فردی بهتر از عمر نتابیده»

• عالمان اهل سنت که متوجه این تناقض شدند بدون اینکه روایتی را کنار بگذارند تنها به توجیه روایات افضل

بودن عمر بن خطاب پرداخته اند و مطالب عجیبی گفته اند:

۱. سخن رسول خدا که مطلق است را مقید کردند و گفتند منظور رسول خدا این بوده که عمر بعد از ابوبکر از سایر

مسلمانان بهتر است.

۲. مراد رسول خدا این بوده که عمر در دوران خلافتش از همه مسلمانان برتر است. یعنی رسول اکرم می دانستند که

بعد از رحلتش عمر به خلافت می رسد

۳. منظور پیامبر از افضلیت عمر در عدالت و سیاست و راه و روش اداره کشور بوده . یعنی باز نمی توان ابوبکر را

برترین فرد امت معرفی کرد؛ زیرا عمر در برخی امور حتی از ابوبکر هم برتر است.

اشکال چهارم

اشکال دیگری که به این روایت وارد است و نشانه جعلی بودن این روایت است این است که ابن حبان و ابن عساکر دمشقی همین روایت را با سند مذکور از ابودرداء اینگونه نقل کرده اند:

رسول خدا فرمودند ای ابودرداء چرا جلوتر از کسانی که از تو بهتر هستند راه می روی؟ پرسیدم منظورتان چه کسانی هست؟ فرمودند ابوبکر و عمر.

معلوم نیست رسول خدا چه کسی را به عنوان بهترین فرد به مسلمانان معرفی کرده.

ابوبکر؟ عمر؟ یا هر دو؟

اشکال پنجم

روایت «ما طلعت الشمس» توان معارضه با روایات متعدد دیگر که در منابع اهل سنت در مورد حضرت علی علیه السلام نقل شده را ندارد.

الف_ابن مردویه اصفهانی به نقل از بریده:

رسول خدا به فاطمه فرمودند : شوهرت بهترین فرد امت من است و قبل از سایرین اسلام آورده و از همه مسلمانان داناتر است.

ب_ابن ابی الحدید به نقل از کتاب صفین مدائنی:

حضرت علی شخصی به نام ذوالثدیه را به قتل رساند وقتی این خبر به عایشه رسید گفت عمر بن عاص به من گفته بود که ذوالثدیه را من در اسکندریه به قتل رساندم. پیامبر فرموده بودند بهترین فرد امت من پس از من ذوالثدیه را خواهد کشت.

ج_دیلمی به نقل از عایشه:

رسول خدا فرمودند : علی بهترین فرد امت من و مسلمانان است.

این روایات که در منابع اهل سنت وجود دارد با روایت «ما طلعت الشمس» تعارض دارد.

این موارد که بیان کردیم فضائل عقلی حضرت علی علیه السلام بود، اما در مورد فضائل نقلی روایات زیادی از رسول اکرم نقل شده که بعضی را بیان میکنیم.

الف_حاضر شدن حضرت علی وقتی پیامبر به خدا گفته بود بهترین خلقت را حاضر کن تا با من از این پرنده میل کند.

ب_حدیث منزلت که پیامبر به حضرت علی فرمودند جایگاه تو نسبت به من همانند جایگاه هارون نسبت به موسی است الا اینکه بعد از من پیامبری نمی آید.

ج_سخن پیامبر در جنگ خیبر که فرمودند «فردا پرچم را به کسی خواهم داد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول خدا هم او را دوست دارند؛حمله می کند و فرار نمیکنند». در صورتی که قبل از حضرت ابوبکر و عمر را برای فتح خیبر فرستاده بود که شکست خورده بودند.